

گاهنامه سخن هادی

بازخوانی و بازشناسی
اسلام ناب محمدی (ص)
و اسلام آمریکایی
توسط مقام معظم رهبری

بازخوانی و بازشناسی اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی توسط مقام معظم رهبری

مقدمه:

از دیدگاه مقام معظم رهبری، خط امام، هویت بخش جمهوری اسلامی ایران است و این انقلاب با نام حضرت امام در سراسر گیتی شناخته می شود. معظم له، در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، مفصلاً به تبیین خط امام (ره) پرداختند و شاخصه های آن را تشریح نمودند و اظهار داشتند: «امام منهای خط امام، امام بی هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست... خط امام اجزائی دارد...». ایشان سپس در تشریح اجزای خط امام می فرمایند: «اولین و اصلی ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، ... اسلام ناب محمدی ... یعنی اسلام ظلم ستیز، اسلام عدالت خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، ... در مقابل این اسلام، ... اسلام آمریکائی [است]. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، ...، اسلامی که با همه ی این ها می سازد...» (۱۳۸۹/۳/۱۴)

ایشان در دیداری، با اشاره به جوهره آموزه حضرت امام (ره) که در محوریت نظریه جهت دهنده به رفتار جمهوری اسلامی قرار گرفته عنوان کردند: «درس امام زنده است، راه امام زنده است... اگر ما بخواهیم این درس را برای مسلمانان عالم خلاصه کنیم، این خلاصه عبارت است از بازگشت به اسلام ناب، اسلامی که می تواند برای مردم و ملت ها همه چیز را به ارمغان آورد.» (۱۳۷۸/۳/۱۲)

حقیقت این است که ملت مسلمان ایران و دنیای اسلام هیچ چاره ای جز این ندارند، که برای رهایی از سلطه و پیمودن مسیر پیشرفت و تعالی همان اسلامی را که حضرت امام معرفی کرده و خطی را که در پیش پای ملت ایران گذاشت و با قدرت پیمود را بپیمایند. بدین مفهوم که نجات و رهایی جوامع اسلامی و ملل محروم و حتی سعادت کل جامعه بشری به این اسلام و حقیقت ناب بستگی دارد، لذا «حقیقت ناب و اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید می کردند، برای این است که ما این متاع را - که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست - خالص، بدون غلّ و غش، بدون تقلّب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است؛ (ان الله یأمرکم ان تأدوا الامانات الی اهلها). بزرگترین و نفیس ترین و مؤثرترین و گرانبهاترین امانتی که خدای متعال به ما داده است، معارف الهی و حقایق الهی است. اینها را بایستی به صورت ناب و به صورت خالص، هرچه نزدیکتر به واقع به دست بیاوریم و آن را به مخاطب برسانیم.» (۷۷/۹/۲۳)

با این توصیف می توان گفت که یکی از مهم ترین و درخشان ترین نقطه در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، بازخوانی و بازشناسی اسلام ناب از اسلام آمریکایی است. بازشناسی ای که موجب رهایی از تنگناها و ابهامات ناشی از تحجر، التقاط، دگراندیشی و کج فهمی از اسلام است. البته چنین امری از عهده کسی بر می آید، که اسلام اصیل را به

معنای واقعی کلمه بشناسد و خطراتی را که در کمین چنین اسلامی است گوشزد نموده و راه روشنی را برای مردم ترسیم نماید.

دلایل و چرایی تبیین و تمایز اسلام ناب محمدی (ص) از اسلام آمریکایی

۱. انقلاب اسلامی ایران، نه تنها با نام اسلام به پیروزی رسیده است بلکه موتور محرکه و نیروی پیش برنده آن نیز اسلام است، لذا در صورت غفلت از تشخیص بین اسلام اصیل و ناب با اسلام غیراصیل و آمریکایی، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب، بلکه بر پیکر اسلام وارد خواهد شد؛ چرا که از لحاظ داخلی، گروهی با ماسک اسلام بر نقاط حساس نظام اسلامی دست می‌یابند و هوا و هوس‌های خود را به نام دین بر مردم عرضه می‌کنند. از این رو تقسیم اسلام به اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله و اسلام آمریکایی، با شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن، مانع سوء استفاده کسانی می‌شود که گرچه به ظاهر مسلمانند؛ اما در حقیقت به تعبیر حضرت امام رحمه‌الله: «این‌ها مروج اسلام آمریکایی اند و دشمن رسول‌الله.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۱).

در سطح جهان اسلام نیز تا کنون مدل‌ها و چهره‌های گوناگونی از اسلام از جمله اسلام سکولار، اسلام سلفی، اسلام وهابی، اسلام طالبانی و در حال حاضر اسلام تکفیری رخ نمایان کرده‌اند. اینها نه تنها مروج دین مبین اسلام نیستند بلکه بطور خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه در راستای مصالح و مطامع نظام سلطه گام برمی‌دارند. این جریانات متظاهر به اسلام در دو طرف افراط و تفریط قرار دارند. گروهی اسلام را یک دین خشن، بدور از عقلانیت، خالی از اخلاق و گروهی دیگر اسلام را تشریفاتی، خنثی و بی‌خاصیت معرفی می‌کنند. از این رو، تقسیم اسلام به اسلام ناب که شاخصه‌های اصلی آن؛ عقلانیت، معنویت و عدالت است با اسلام غیر اصیل می‌تواند، راهگشای ذهن‌ها و دل‌های پاکی باشد که درصدد دستیابی به حقایق اصیل دین مبین اسلام هستند.

۲. همواره در طول تاریخ اسلام، عده‌ای با ماسک اسلام و ساختن اسلام بدلی با سوار شدن بر موج همان عصر عده‌ای از انسان‌های ساده لوح را به دام خود انداخته و همراه خود نموده‌اند. شاید مهم‌ترین نمونه آن اسلام اموی در مقابل اسلام نبوی باشد. این تقابل را می‌توان در برخورد حضرت علی علیه‌السلام با معاویه دید.

مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: «مطرف بن مغیره بن شعبه می‌گوید: شبی پدرم به خانه آمد بسیار گرفته و ناراحت بود و شام نخورد. مدتی بعد پیش او رفتم و علت ناراحتی را پرسیدم. گفت: من از نزد پلیدترین انسان‌ها می‌آیم. گفتم: چه شد؟ گفت: امشب نزد معاویه بودم به او گفتم تو دیگر پیر شدی، پس حق اهل‌بیت از بیت‌المال را به آنها بده. گفت: هرگز چنین کاری نمی‌کنم. سپس از عمر و ابوبکر و عثمان یاد کرد و گفت: هر یک از آنها حکومت یافتند. وقتی مردند اسمشان از میان رفت؛ ولی روزی پنج مرتبه بانگ «اشهد ان محمدا رسول الله» از مأذنه‌ها شنیده می‌شود با این برنامه چه چیزی باقی می‌ماند؟ باید این مراسم، متروک و دفن شود» (مسعودی، ج ۳: ۳۶۲).

همچنین ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌نویسد: «معاویه در کار دنیا ورزیده بود و به دین پایبند نبود و دین را پل کم خرجی می‌دانست که نمی‌باید میان او و تمتع از لذات دنیا حائل شود». (ویل دورانت، ۱۳۶۸: ۲۴۷) معاویه با داشتن چنین روحیه‌ای، بر مسند حکومت اسلامی تکیه زد و بدعت‌های متعددی را در دین به وجود آورد؛ به گونه‌ای که یعقوبی در تاریخ خویش، حدود هفده مورد از بدعت‌های وی را برمی‌شمارد مانند: گرفتن مال مردم به نام خودش،

احداث پادشاهی در اسلام، خود بر صندلی می‌نشست و مردم پایین‌تر از او می‌نشستند و ... (یعقوبی: ۲۱۷-۲۴۰) البته تمام این امور توسط وی، به نام دین انجام می‌شد. و چه زیباست سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام که می‌فرماید: «فان هذا الدين قد كان اسيرا في ایدی الاشرار يعمل فيه الهوى و تطلب فيه الدنيا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یعنی: همانا این دین در دست بدکارانی اسیر گشته بود، که با نام دین به هواپرستی پرداخته و دنیای خود را بدست می‌آوردند. اما همین شخص، با نام دین به جنگ حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام رفت و در ظاهر نیز حضرت را شکست داد: «با حربه قرآن معاویه، امیرالمؤمنین را شکست داد؛ با حربه قرآن، و الا چند دقیقه دیگر، چند ساعت دیگر اگر مانده بود، آثاری از بنی امیه باقی نمی‌ماند، لکن حيله کردند، قرآن آوردند که ما مسلم، شما هم مسلم...» (صحیفه نور، ج ۱: ۷۱)

بنابراین تبیین این نظریه و شناساندن و بازخوانی مداوم، اسلام اصیل از اسلام بدلی یکی از مهمترین وظایف اولیای الهی و بزرگان دین است. کسی که در زندگی ائمه علیهم‌السلام مطالعه و تفحص کند، این را به وضوح در می‌یابد که در دوران سلاطین بنی‌امیه و بنی‌عباس، اهل بیت علیهم‌السلام مثل علم‌ها و پرچم‌هایی بودند که راه اسلام ناب و بری از تحریف را به مردم نشان می‌دادند؛ اسلامی که قدرتها نمی‌توانستند به خاطر حفظ حکومت خودشان، یا به خاطر تأمین تعیش و عیاشی‌های خودشان، به آن چیزی بیفزایند، یا از آن چیزی کم کنند. این چیزی نیست که فقط شیعه روایت کند؛ در همه تواریخ اسلامی می‌شود از کسانی که به خاطر یک مقتدر و یک حاکم، به جعل حدیث می‌پرداختند و تفسیر آیات کریمه قرآن وضع می‌کردند، نمونه‌هایی پیدا کرد. ائمه در مقابل این‌ها می‌ایستادند. رجوع شود به بیانات مقام معظم رهبری ۷۶/۱۱/۱۴

در عصر حاضر نیز جریانات و گروه‌هایی با هدایت سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی سیا و موساد، با نام دین و با نام پیامبر اعظم (ص) در کشورهای اسلامی هر روزه سر بر می‌آورند، و چهره نورانی اسلام را با رفتارهای غیر انسانی و وحشیانه، کدر و مخدوش می‌کنند و تفکر اسلام‌هراسی را که سال‌هاست نظام سلطه تبلیغ و ترویج می‌کند، را در دنیا و در نزد افکار عمومی نهادینه می‌کنند. لذا شناساندن اسلام معاویه و یزیدی که امروزه در قالب جدید و چهره آمریکاپسند، عرضه می‌شود کاری بسیار ضروری و مجاهدانه است. از این‌رو، این عمل را می‌توان، مصداق آیه شریفه «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ» (انبیاء / ۴۸) دانست، یعنی «همانا ما به موسی و برادرش هارون کتاب تورات را عطا کردیم که جداسازنده میان حق و باطل و روشنی بخش دل‌ها و یادآور متقیان است».

کارکردهای اسلام ناب محمدی (ص)

۱. اسلام ناب عامل وحدت و بیداری اسلامی و منشأ مردم‌سالاری دینی:

نشر فرهنگ اسلام ناب و تفکر دینی، ترویج تفکری است که به بیداری دنیای اسلام انجامید. نام اسلام و حقیقت اسلام، به شکل فردی در سراسر دنیا همواره وجود داشته - البته در بین بعضی غلیظ، در بین بعضی رقیق‌تر - اما نگاه اسلام به دنیا، به ملت و به امت اسلامی به‌عنوان یک موجود عظیم و دارای استعداد فراوان و قادر به حرکت و بیدار شدن، نگاهی است که در ایران با انقلاب اسلامی ریشه گرفت و ظاهر شد و به همه‌ی دنیا گسترش یافت. نگاه به اسلام از این دید و ترویج این تفکر در دنیای اسلام - تفکری که حکومتی به وجود آورده است که توانسته آزادی، مردم‌سالاری و حکومت متکی به آراء مردم را از درون مفاهیم و تعالیم اسلام بیرون آورد - چیزی است که در هیچ نقطه‌ای از دنیای اسلام در زمان ما و لاف‌ل‌قرنهای پیش از زمان ما سابقه نداشته است. آنچه از حکومت اسلامی دوران

خلفای عثمانی و خلفای قبل از آن- عباسی و اموی- در ذهن مردم وجود داشت، مفهوم دیگری بود که با مفهومی که امروز دنیای اسلام از حکومت با دید ایران اسلامی درک می کند، به کلی متفاوت است. این فرهنگ دینی برخاسته از نظام اسلامی که خود منشأ نظام اسلامی هم بوده است و حرکت به سمت وحدت اسلامی- یعنی نگاه اسلام به امت به عنوان یک مجموعه ی واحد- و همچنین پرهیز از اختلافات قومی و طایفه ای در دنیای اسلام و در جوامع اسلامی، چیزی است که پیغام آور آن، انقلاب اسلامی بود. ما باید به آزادی، مردم سالاری و عدالت طلبی- که انقلاب اسلامی شعار آن ها را داد و اسلام را با این نگاه ها و شعارها و نقطه نظرها به دنیا معرفی کرد توجه داشته باشیم. امروز هم در دنیا و در سطوح مختلف، با همه ی مفاهیمی که در مجموعه ی تفکرات نظام اسلامی برخاسته از اسلام است، مقابله و مبارزه می شود. با حاکمیت دین، با تکفل دین نسبت به امور زندگی مردم، با سازگاری مردم سالاری با دین، هم در میدان نظر و هم در میدان عمل، مقابله و مبارزه می شود؛ همچنان که با وحدت امت اسلامی هم به شدت مبارزه می شود، که این از تجربه های قدیمی استعمار است. شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه ی آن به وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتّفاقی تکیه کنند و از جریحه دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی با این معنا و با این نگاه که در آن، آزادی و عدالت و مردم سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام و میان امت اسلامی وجود دارد، یکی از میدان های مجاهدتی است که باید در آن تلاش کرد.^۱

۲. اسلام ناب؛ مبنای حقانیت، معیار درستی تصمیمات و کنش ها

در هر نظام سیاسی؛ اصول، قواعد و معیارهایی برای حقانیت اندیشه و تشخیص درستی و نادرستی تصمیمات و اقدامات دولتمردان در عرصه مملکت داری وجود دارد، مبنای حقانیت و نحوه تشخیص صواب و ناصواب از عملکرد مسئولین در جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مقام معظم رهبری مبنای این حقانیت را حرکت در مسیر و راه حضرت امام که همان اسلام ناب است می دانند و می فرمایند: «اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبنای مسلم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه ی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرائطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی (رضوان الله علیه) و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.»^۲

همچنین از دیدگاه ایشان مهمترین معیار سنجش درستی و نادرستی تصمیمات و اقدامات مسئولین در جمهوری اسلامی ایران، اهتمام و کاربست اسلام ناب در امور است. آنجایی که می فرماید: «من از همه ارگان های جمهوری اسلامی، به خاطر پایبندی شان به معیارها و موازین خط امام، تشکر می کنم. از قوه قضائیه، از قوه مقننه، از مسؤولین و اعضای آنها؛ به خاطر این که همه دستگاه های کشور، یک معیار اساسی دارند و آن، اسلام ناب است و مجسم کننده

^۱ . (نگاه کنید به بیانات مقام معظم رهبری (۸۲/۶/۱۹)؛ قابل مشاهده در khamenei.ir .

^۲ . (۷۳/۳/۶، پیام به حجاج بیت الله الحرام)

اسلام‌ناب، یعنی امام امت، رضوان‌الله علیه و خط و راه او. این، چیز با ارزشی است. ملت و دولت، همین‌طور فکر و همین‌گونه عمل می‌کنند»^۳

۳. اسلام‌ناب؛ عامل هویت اسلامی و عزت ملی

احیای هویت اسلامی و عزت ملی، یکی دیگر از محورهای اندیشه سیاسی و مبارزاتی حضرت امام خمینی است. امام (ره) که مروج اسلام ناب محمدی است، احیای هویت ملی - اسلامی را رمز استقلال و قدرت کشور و مانعی در راه گسترش سلطه قدرت‌های جهانی دانسته و همواره تأکید می‌کردند که: «فرزندان عزیز جهادی‌ام! به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و شرق در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول‌پرستانند...» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۵۹).

مقام معظم رهبری نیز همچون حضرت امام (ره) همواره اسلام ناب را مایه هویت و عزت دانسته و می‌فرمایند: «امروز دنیای اسلام برای به دست آوردن عزت و موجودیت و هویت خود یک راه بیشتر ندارد و آن برگشت به اسلام است؛ البته اسلام واقعی، نه یک اسلام متحجر آمیخته با خرافات که دشمنان اسلام تبلیغ می‌کنند و می‌گویند اسلام این است - این‌طور اسلامی کارآمد نیست - و نه اسلام تطبیق داده شده با اصول امریکایی و مورد نظر غربیها که آن هم اسلام نیست؛ هر دوی اینها اسلام امریکایی است، که امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: (اسلام امریکایی) و (اسلام ناب محمدی). اسلام ناب و خالص، اسلام توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام (و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا)، اسلام (الاسلام يعلو ولا يعلى عليه)، اسلامی که می‌گوید: (و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض)». (۸۹/۲/۲۹)

«هم جوانان این ملت، هم مسئولان این کشور، هم قشرهای مختلف و همه کسانی که ایران را سربلند می‌خواهند، می‌دانند که تا وقتی پرچم اسلام بر این کشور گسترده است و پرتو اسلام ناب محمدی از این کشور به سرتاسر دنیای اسلام می‌تابد، این کشور عزیز است؛ این کشور در میان ملتها سربلند است و این کشور - هم از لحاظ مادی، هم از لحاظ معنوی، هم از جهات علمی و فرهنگی و هم از همه جهاتی که برای یک ملت دارای اهمیت است - آینده‌دار است. این ملت با این خصوصیات، از اسلام و از قرآن و از ارزشهایی که قرآن آنها را در مقابل ارزشهای طاغوتی مطرح کرده است، دست برنخواهد داشت و به وسیله اسلام خواهد توانست ملتهای دیگر را هم به فضل پروردگار نجات دهد. این، وضع ملت ایران است که دشمن یا عمداً و یا از روی غلط و اشتباه، آن را بد می‌فهمد، بد تفسیر می‌کند و بد تبلیغ می‌نماید.» (۷۶/۷/۲۴)

۴. اسلام‌ناب؛ عامل بصیرت و دشمن‌شناسی

تاریخ معاصر ایران، به ویژه در حوزه روابط خارجی تداعی‌کننده بی‌اعتمادی و مخدوش شدن «عزت و غرور ملی» ما ایرانیان است. از این رو، مقام معظم رهبری همچون حضرت امام دشمن‌شناسی را از ویژگی‌های و مزیت‌های

^۳. (۷۱/۳/۱۴)، بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ه)

دولتمردان و ملت ایران می داند و آن را از نشانه های هوشیاری یک ملت دانسته آن که نیازمند بینش و بصیرت است. مقام معظم رهبری در این مورد تاکید دارند: « من چند مشخصه ی مهم را از مجموعه ای که ما آن را راه امام و خط امام به حساب می آوریم، عرض می کنم... یک عنصر دیگر، دشمن شناسی و فریب نخوردن از دشمن است.» (۱۳۷۸/۳/۱۴)

ویژگی ها و مشخصه های اسلام ناب از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱. ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم:

مسئله ظلم ستیزی و دفاع از مظلومان عالم همواره از اصول متقن اسلام ناب محمدی است. این موضوع گرچه در وهله اول متوجه ملت های مسلمان مورد ستم است ولی تنها به آن منحصر نیست و در اسلام ناب، بعدی اخلاقی و تکلیفی دینی را برای مسلمانان در بر می گیرد که مطابق آن وظیفه دارند، در هر جایی یار مظلومان و دشمن ستمکاران باشند این اصل نیز بارها مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. ایشان در سخنان مهم در جمع مسئولان وزارت خارجه به تاریخ ۶۹/۵/۱ با اشاره به اصول سیاست خارجی ایران فرمودند: «چهره جمهوری اسلامی نسبت به دشمنان خدا و متعرضان به حریم ملتها و شرف انسانیت و استقلال ملتها چهره معترض و عدم تسلیم است. بی اعتماد و مخالف بوده ایم و هستیم و خواهیم بود». این سخنان که اشاره به اصل ظلم ستیزی دارد، دارای بعد عملی نیز در سیاست خارجی ما بوده است. حمایت های جمهوری اسلامی در اوایل دهه ۹۰ از مردم بوسنی و هرزگوین افغانستان، و بعدها از مردم چین و عراق، موید این قضیه است ولی در مهم ترین بعد، تجلی این امر در حیطه دفاع از دو ملت مسلمان لبنان و فلسطین در مقابل رژیم صهیونیستی بروز یافته است. مطابق با اسلام ناب، مبارزه جمهوری اسلامی در راه احقاق حقوق ملت فلسطین (و نیز لبنان) علاوه بر بعد اسلامی، دارای بعدی انسانی نیز هست و اشاره به اصل ظلم ستیزی در اصول انقلاب دارد.

از این روست که امروز « ... شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می بینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آنجا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدان و قدرت طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه دخالت و تسلط و سیطره دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.» (۸۲/۳/۱۴)

امروز ملت ایران بر اساس آموزه های اسلام ناب، همچنان مدافع ملت های مظلوم است و خواهد بود. و همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین، لبنان و... بر ضد ظالمان خواهد بود.

۲. مقابله با نظام مستکبر آمریکا

از دیدگاه مقام معظم رهبری، روح اسلام ناب، استکبارستیزی و «واژگون کردن تخت استکبار» است و تا انقلاب باقی است «چنین چیزی هم هست». چون، ذات استکبار، دشمنی با عبودیت انسان نسبت به خداوند است. و روح اسلام ناب و انقلاب اسلامی، باز گرداندن انسان به مسیر عبودیت خدا است. از این رو مجادله اسلام ناب و انقلاب اسلامی، با نظام استکبار جهانی قطعی و دائمی است. نظام سلطه، گرچه یک زنجیره است، اما نمود و مصداق امروزین، آن دولت آمریکاست. که نمود یک دولت استکباری است که به خود اجازه می دهد انواع تعرضات به حقوق ملتها و ... را انجام دهد. از این رو، « جمهوری اسلامی، رابطه با رژیم امریکا را که رمز و نشانه ی قلدری و سلطه ی ناحق و مظهر ستم به ملت های ضعیف عالم است، مردود می داند و تا وقتی آن رژیم، مستکبرانه به ملت ها ظلم می کند، در دولتها و کشورها

دخالت می‌کند، از رژیم‌های نامشروعی چون رژیم منفور صهیونیستی حمایت می‌کند، با نهضت‌های آزادیخواهانه و بیداری ملت‌ها ستیزه می‌کند و بخصوص با ملت مسلمان پیشگام ایران و ملت‌های به پا خاسته‌ی مسلمان دشمنی می‌ورزد، هرگز با آن رژیم رابطه برقرار نخواهد کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۳/۱۳)، معظم له در پیامشان به حجاج بیت الله الحرام می‌فرمایند: «ملت‌ها و دولت‌ها در قبال روحیه‌ی گرایش به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) - اسلامی که سرلوحه‌اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه‌ی شیاطین از زندگی ملت‌هاست - به یک اندازه مسؤولند. دولت‌های اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه‌مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملت‌ها و کشورها و قدرت دولت‌ها را تأمین می‌کند.» (۱۳۷۰/۳/۲۶)

از دیدگاه مقام معظم رهبری در عصر حاضر، تنها سنگری که می‌توان به آن اتکا و در مقابل نظام سلطه و شیطنت آن ایستادگی کرد، اسلام ناب محمدی است. «نسل جوان در کشورهای مختلف فقیر و وابسته و در خدمت استکبار غربی، مطمئناً مثل گذشته جوش و خروش خواهند داشت؛ ... اما سنگری هم ندارند و وسیله‌ی که پشت سر آن قرار بگیرند و آن را برای اطفای غیظ خود در مقابل مستکبران و ظالمان به کار ببرند، در اختیارشان نیست. یک وسیله باقی است، و آن اسلام است؛ آن هم اسلام با تفسیر درست و انقلابی و به تعبیر امام بزرگوارمان، اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله). این اسلام است که امروز در مقابل این همه قدرت‌نمایی در دنیا حضور دارد و از آن می‌ترسند؛ این اسلام است که هنوز ملت‌ها را به خود جذب می‌کند؛ ... این تنها سنگری است که در مقابل استکبار و در مقابل شیطان و شیطنت با این عظمت، باقی است. نتیجه این است که امروز دشمنی‌ها با اسلام و با نظامی که این حقیقت و این مکتب را ترویج می‌کند و پرچم آن را به دست گرفته، بیش از پیش است.» (۷۰/۶/۲۵). از سوی دیگر مسأله مبارزه با رژیم صهیونیستی نیز از همین منظر قابل طرح می‌باشد. چرا که در کلام مقام معظم رهبری، رژیم صهیونیستی و استقرار آن در دل جوامع اسلامی، نمود توطئه‌ای است از سوی نظام استکباری جهت خوار و خفیف کردن مسلمین و تضییع حقوق یک ملت و از این رو مبارزه با این رژیم از چند جهت در ذیل اصول متقن اسلام ناب محمدی در کلام رهبری قرار می‌گیرد. «سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبتنی بود بر تقویت رژیم صهیونیستی، و یکی از بزرگترین اقدامات و تصمیماتشان این بود که در داخل لبنان - که همسایه‌ی مشرف بر سرزمین فلسطین غصب شده است - آن نیروی محرکه و مؤمن و اثرگذار و نافذ، یعنی حزب الله و نیروی مقاومت را از بین ببرند.»^۴

۳. عکس العمل مواجهه جویانه دشمنان با اسلام ناب

از آنجایی که اسلام ناب همواره با مطامع و اهداف ظالمان، سلطه‌گران و مستکبران مقابله می‌کند، صد البته نظام استکباری و شبکه رسانه‌ای و تبلیغاتی وابسته و سازمان یافته آن، راضی به توفیق چنین اسلامی نیستند، لذا همت گماشته‌اند که امید و خوش‌بینی مسلمانان به پا خاسته را مبدل به نومیدی و بدبینی کنند، و برای این مقصود، هیچ چیز بهتر و مؤثرتر از آن نیست که انقلاب اسلامی پیشاهنگ و بن‌بست‌شکن ملت ایران را ناکام و ناتوان جلوه دهند و چنین قلمداد کنند که ایران اسلامی در مواجهه با مشکلات، مجبور شده است از راه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) و خط روشن امام خمینی (قدس سره) روی بگرداند.

^۴ . (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳)

در همین راستا، مقام معظم رهبری در تذکر مشفقانه ای به فرماندهان و مسئولین سپاه می فرماید: «... تا حرکت در خط اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) هست، دشمن کمین گرفته و دست کین گشاده نیز هست، و توطئه و خیانت و مفسده انگیزی نسبت به نظام مقدس اسلامی نیز هست.» (۷۰/۶/۲۵)

در واقع نقطه بسیار حساس و اولویت اول برای امریکا و بطور کلی نظام سلطه، مبارزه با اسلام ناب و نهضت اسلامی و بیداری اسلامی منبعث از اسلام ناب است که امروز در همه دنیای اسلام، مظاهر آن به نحوی از انحاء مشاهده می شود؛ به طوری که آنها را به شدت نگران کرده است. از آنجایی که می دانند؛ کوره اصلی این حرکت و کانون اصلی این غوغای انسانی و الهی جمهوری اسلامی است، با تمرکز بر روی ایران اسلامی، می خواهند نظام و دولت جمهوری اسلامی و کشور اسلامی و ملت مسلمان ما را دچار فلج و اختلال کنند. (رجوع به بیانات ۷۷/۹/۲۳)

معظم له شهادت بزرگانی چون حضرت آیت الله مطهری را نیز بخاطر ترویج و دفاع از اسلام ناب در مقابل اسلام های بدلی که مورد حمایت شرق و غرب است می داند، و می فرماید: «نکته ی دیگر این که همان مبارزه موجب شد که مطهری به شرف شهادت نائل شود؛ یعنی آن دشمنی که مطهری را بر زمین انداخت و خون او را جاری کرد، دشمنی بود که از ارشادها و آگاهی هایی که او به مردم می داد، صدمه می دید. چون شهید مطهری در مقابل التقاط ایستاد، در مقابل نفاق ایستاد، در مقابل تهاجم فرهنگ غرب و شرق ایستاد و اسلام ناب و اسلام فقهاتی را ترویج کرد، لذا کسانی که با این چیزها مخالف بودند، او را بر زمین انداختند. اگر دستشان می رسید، هر کسی را هم که شبیه مطهری و کوچکتر از مطهری و در راه مطهری بود، بر زمین می انداختند؛ اما خدای متعال به آنها این فرصت را نداد و ان شاء الله، هرگز هم نخواهد داد.» (۷۲/۲/۱۵)

در واقع وجهه دیگر این سخن این است که مستکبران با اسلام متحجر، تشریفاتی، التقاطی، خنثی و اسلام تکفیری نه تنها کاری ندارند بلکه مشوق و مروج آن نیز هستند.

در هر صورت، حرکت عظیم مردم ایران با رهبری حضرت امام خمینی (ره) حقیقت درخشانی را نمایان کرد و خیمه عظیمی را برای همه مظلومان و محرومان جهان بوجود آورد. ستون این خیمه عظیم، نیز ایمان است؛ ایمان به آن حقیقت درخشنده ای که چنین معجزه ای را می کند. ایمان به اسلام انقلابی و اسلام ناب محمدی. دشمن هم این را فهمید، و از روز اول، هم تلاش کرد، بلکه بتواند این ایمان را متزلزل کند.

یک دهه بیش از ربع قرن (همپای انقلاب اسلامی ایران) است که دشمن از راه های مختلف، دائم برای ضعیف کردن ایمان مردم، ایمان به اسلام ناب محمدی وارد می شود. اما به وسیله مردم انقلابی ایران، تودهنی می خورد، ولی باز از راه دیگر وارد می شود. شاید یکی از رایج ترین راه ها، مدل ارائه الگوهای گوناگون غیراصیل و بدلی از اسلام است که یکی از نمونه های امروزی آن در منطقه غرب آسیا، گروهک تروریستی - تکفیری داعش است. البته ملت هوشمند و شجاع ایران، از لحظه ی اوجگیری نهضت عظیم خود، همواره با همه ی وجود، از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) دفاع کرده و هوشیارانه با ترفندها و توطئه هایی که از سوی سردمداران استکبار و متولیان اسلام امریکایی هدایت می شده، مبارزه کرده و خواهد کرد.

شناخت و معرفی برخی از وجوه گوناگون اسلام آمریکایی

۱. اسلام وحدت شکنان و خشونت طلبان

امروز از جمله‌ی موضوعات مهم و دارای اولویت، مسئله‌ی اتحاد مسلمانان و گشودن گره‌های فاصله‌افکن میان بخشهای امت اسلامی است. اسلام، مظهر وحدت و یکپارچگی و کانون برادری و همیاری در میان مسلمانان است. امروز که توطئه دشمن از هر سو سر برمی آورد، در حالی که باید همگان درس تمرکز بر مشترکات و رفع اختلافات را فرا بگیرند. دستهای پلید تفرقه‌افکنی برای تأمین مقاصد شوم از آستین تکفیریان بیرون آمده است. امروز که به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان دشمنی جبهه‌ی استکبار و صهیونیسم را بدرستی شناخته و در برابر آن موضع گرفته‌اند، سیاست تفرقه‌افکنی میان مسلمانان شدت بیشتری یافته است. دشمن مگار بر آن است که با افروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مسلمانان، انگیزه‌های مقاومت و مجاهدت را در آنان به انحراف کشانده، رژیم صهیونیستی و کارگزاران استکبار را که دشمنان حقیقی‌اند، در حاشیه‌ی امن قرار دهد. راه‌اندازی گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه ناشی از این سیاست غدارانه است.

از آنجا که این افراد خود هیچ هنری ندارند و تحمل رشد و پیشرفت دیگران را نیز نمی‌توانند داشته باشند، بهترین کار را در این یافتند که دیگران را مرتد و کافر بدانند. به تعبیر مرحوم شهید مطهری رحمه الله: «همیشه بی‌سوادها و نادان‌ها و جاهل‌ها، وقتی که در مقابل دانشمندان، با قدرت‌ها و با هنرها قرار می‌گیرند و می‌بینند جامعه، برای این‌ها احترام قائل است، نمی‌دانند چه بکنند، ابزار دیگری ندارند. اگر بگویند بی‌سواد است آثار علمی‌اش را می‌بینند؛ اگر بگویند بی‌هنر است هنرش را دارند می‌بینند؛ اگر بگویند بی‌عقل است عقلش را دارند می‌بینند. چه بگویند؟ آخرش می‌گویند این دین ندارد و این کافر است.»^۵

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

«کسانی که مجریان احکام سیاسی و فرهنگی اسلام را با انواع تهمت‌ها آزرده‌اند، آیا جز خدمت به دشمن، نام دیگری بر آن می‌توان نهاد. کسانی که در عراق این جنایت‌ها را می‌کنند؛ کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام علیه مسلمانها فعالیت می‌کنند؛ کسانی که مهمترین وظیفه‌ی خود را ایجاد اختلاف بین مسلمانها - تحت عنوان شیعه و سنی، تحت عنوان قوم‌گرایی - قرار می‌دهند؛ اینها نمی‌توانند به هیچ وجه نمایشگر و نماد بیداری اسلامی باشند؛ این را خود مستکبران هم می‌دانند. همان کسانی که سعی می‌کنند اسلام را در چهره‌ی گروه‌های متحجر و دهشت‌افکن به دنیای غرب معرفی کنند، می‌دانند که واقعیت غیر از این است. اسلامی که امروز بیداری آن را دنیای اسلام دارد احساس می‌کند، اسلام فکر و اندیشه و تعمق و حرف نو است؛ اسلام ارائه‌ی راه‌حلهای زندگی برای گشودن گره‌های زندگی بشریت است؛ نه اسلام متحجر، نه اسلام چشم‌پسته و نه اسلام دور از هرگونه آزاد فکری؛ این را مستکبران می‌فهمند. امروز شعار جمهوری اسلامی، آزادفکری است؛ توسعه‌ی علم و معرفت است؛ توجه به حقوق انسانها و اختیارات انسانهاست؛ مهربانی و مهرورزی میان افراد انسان است؛ اینها شعار و پیام اسلام است؛ دنیا دنبال اینهاست.»^۶

^۵. (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۳) شهید مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار، نشر صدرا، ۱۳۷۳، ص ۴۳

^۶. (بیانات مقام معظم رهبری ۸۴/۶/۱۱)

مقام معظم رهبری در پیام شان به حجاج بیت الله الحرام در سال جاری یکی از فرازهای اصلی سخنان خویش را به این توطئه عظیم که در عراق، سوریه و دیگر مناطق جهان اسلام در حال وقوع است، اختصاص داده و دیگر بار به تفاوت اصلی بین اسلام ناب و اسلام آمریکایی پرداختند، و فرمودند: «سومین موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم‌سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹) است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده‌ی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند. نگاه همراه با بصیرت و ژرف‌اندیشی، این حقایق و مسائل مهم را در واقعیت جهان اسلام برای هر جوینده‌ی حقی روشن می‌سازد و وظیفه و تکلیف روز را بی‌هیچ ابهامی معین می‌کند. حج و مناسک و شعائر آن فرصت مغتنمی برای کسب این بصیرت است، و امید آن که شما سعادتمندان حج‌گزار از این موهبت الهی به طور کامل بهره‌مند گردید.^۷

۲. اسلام تشریفاتی، اسلام راحت‌طلبان و بی‌دردها

راحت‌طلبی اولین مظهر حبّ الدنیا است. همان چیزی که راس کل خطاها و گناهان است. از دیدگاه اسلام؛ زندگی یعنی مدیریت رنج‌ها، مشکلات و چالش‌ها است. یعنی. مدیریت عاقلانه مشکلات و رنج‌ها، نه فرار ابلهانه و احمقانه از مشکلات. هر ملتی و کشوری در طول حیات خویش، دورانها و حوادثی را از سر می‌گذرانند که تأثیر آن در سرنوشت تاریخی او، بسی تعیین کننده و ماندگار است و می‌تواند او را به نیکبختی و عزت و اقتدار، یا سیه روزی و ذلت و حقارت بکشاند. اگر ملتی در تند باد چنین حوادثی قرار می‌گیرد از خود اراده، هوشمندی، ایمان و استقامت نشان دهد، و در صدد تدبیر عاقلانه آن برآید، قله‌های شرف و بهروزی را فتح می‌کند و قدم در جاده‌ی پیشرفت و تعالی می‌گذارد و با هر گردنه‌ی دشوار و سنگلاخی مواجه شود از آن عبور می‌کند و خود را به هدف می‌رساند. ولی اگر ضعف و تن‌پروری، بی‌ارادگی، دنیاطلبی و دل‌سپردن به لذت و راحت‌طلبی گریبانگیر او شود آینده‌ی خود را تباه می‌کند و دستخوش ذلت و اسارت و وابستگی می‌شود، و همه‌ی سختی‌ها و گرفتاری‌های ملل عالم که ناشی از وابستگی و اسارت است پی‌در پی و به تدریج بر او می‌تند و او را دچار بدبختی دنیا و آخرت می‌کند.

طرفداران اسلام راحت‌طلبی سعی‌شان در این است که راحت‌طلبی را با دینداری، یک جا جمع نمایند و پر واضح است آنچه که معارض با راحت‌طلبی و منفعت شخصی آنها باشد را، نخواهند پذیرفت و برای حفظ رفاه خویش از ریسک‌پذیری پرهیز کرده و از اقدامات مجاهدانه در راه خدا دوری می‌کنند. در صدر اسلام کسانی بودند که هرگاه خطری احساس می‌کردند خود را در خانه‌ها محبوس می‌کردند و به بهانه حفاظت از خانه و فرزندان، از رفتن به

^۷ . (۹۳/۷/۸ پیام به حجاج بیت الله الحرام)

جنگ سرباز می‌زدند و هرگاه بحث غنائم پیش می‌آمد، دندان تیز کرده و خواهان سهم خویش از غنائم بودند و در صورتی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنها چیزی نمی‌داد، نسبت حسادت به آن حضرت می‌دادند. هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از حدیبیه به سوی مدینه می‌رفت، عده‌ای از اعراب از رفتن و همراهی با آن حضرت سرباز زدند. خداوند به آن حضرت فرمود: اینان پیش تو آمده و بهانه تراشی خواهند کرد. و وقتی آن حضرت به همراه مؤمنینی که همراه ایشان بودند برگشتند، به حضور حضرت شتافته و علت همراه نشدن خود را محافظت از اموال و اولاد و خانه عنوان کردند. آنگاه خداوند می‌فرماید: اینان دروغ می‌گویند، واقعیت آن است که آنها فکر نمی‌کردند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به همراه مؤمنین برگردند، به همین دلیل از ترس کشته شدن نیامدند. جالب آن که، همین افراد که از رفتن به جنگ سرباز زدند، هنگامی که بحث غنائم پیش آمد، خواهان غنیمت شدند. (رجوع به سوره فتح / آیات ۱۵-۱۱) و وقتی به آنها گفته شود: کسی که تخلف کرده بهره‌ای از آن نمی‌برد گفتند شما به ما حسادت می‌کنید. و خداوند این عده را متصف به جهالت می‌کند، و می‌فرماید: «بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا» یعنی: بلکه آنها جز عده خیلی که جاهل و نادانند (فتح / ۱۵). پس از دیدگاه قرآنی راحت‌طلبان، تنها زمانی که بحث منفعت پیش آید به سراغ دین و مؤمنین می‌روند... در حالیکه طرفدار اسلام ناب مجدانه در راه اسلام مجاهدت نموده برای برقراری حق و به جهت کمک به محرومین انفاق می‌کند. (رجوع به بقره / ۱۷۷)

مقام معظم رهبری با افشاگری، چهره کسانی که منافع حیوانی خود را بر هر چیز ترجیح و دین را وسیله‌ای برای زراندوزی و قدرت طلبی خود قرار می‌دهند می‌فرماید: «اسلام امریکایی، اسلام انسانهای بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ی برای زراندوزی یا قدرت طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تأویل می‌کنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه‌ی فضیلت‌ها و ارزش‌ها می‌کوبند. آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند» (۱۳۶۸/۴/۱۴)

مقام معظم رهبری، با اشاره به اینکه در اندیشه امام، اسلام امریکایی مقابل اسلام ناب محمدی قرار دارد افزودند: اسلام آمریکایی همان اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوتی در برابر "ظلم و زیاده خواهی" و اسلام همراهی و کمک به زورگویان است. ایشان با تأکید بر اینکه امام خمینی (ره) تحقق اسلام ناب را فقط در پرتو حاکمیت اسلام امکان‌پذیر می‌دانستند، خاطر نشان کردند: امام بزرگوار (ره)، جمهوری اسلامی را مظهر و زمینه ساز حاکمیت اسلام می‌دانستند و به همین علت حفظ نظام اسلامی را واجب‌ترین واجبات اعلام کرده اند. رهبر انقلاب اسلامی، هدف اصلی امام را تحقق اسلام ناب دانستند و تأکید کردند: امام (ره) براساس این هدف، تا آخرین لحظه و با قدرت تمام پای حفظ جمهوری اسلامی ایستادند و یک مدل نو از نظام سیاسی را که متکی بر رأی مردم و شریعت اسلامی بود، به دنیا عرضه کردند. (۱۳۸۹/۰۳/۱۴)

۳. اسلام مقدس مآب‌ها و متحجرها

از آنجا که این گروه به ظواهر اسلام اهمیت زیادی می‌دهند، شناخت آنها از مسلمانان واقعی، کاری بس دشوار است و به همان اندازه خطرناک نیز هستند، چرا که آنها در عمق جامعه اسلامی نفوذ کرده‌اند و جدا ساختن آنها از مسلمانان واقعی نیاز به درایت و تیزهوشی و یا به عبارت درست‌تر نیاز به موهبت الهی دارد. خطر این گروه که حضرت محمد رسول خدا (ص) در زمان حیات خود هشدار داده بود، در زمان حکومت حضرت علی (ع) در جنگ نهروان که بزرگترین رویارویی اسلام حقیقی و اصیل با مقدس مآب‌ها بود، مشخص شدند. هر چند جنگ نهروان به معنای پایان کار این گروه شوم نبود و وقتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام - بعد از جنگ نهروان - سؤال می‌شود، یا امیرالمؤمنین! آیا این قوم از بین رفتند؟ فرمود: «نه، سوگند بخدا آنها نطفه‌های در پشت پدران و رحم مادران وجود خواهند داشت هرگاه که شاخی از آنان سر برآورد قطع می‌گردد، تا این که آخرینشان به راهزنی و دزدی تن در می‌دهند».^۸

مقدس مآبان قرن‌ها بعد، در چهره‌های متفاوت اما با همان انگیزه و روش، به وجود آمدند تا تیشه بر ریشه اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله بزنند؛ اما فریاد امام امت رحمه‌الله و هشدار آن بزرگوار که همانند اجداد طاهرینش، هشدار از سر دلسوزی و احساس خطر بود، خطری که نه تنها در کمین انقلاب اسلامی، که در کمین اسلام ناب محمدی نشسته بود را از سر آن دور ساخت. «امروز عده‌ای با ژست تقدس مابی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام آمریکایی اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟»^۹

امروز که این پرچم در دست خلف صالح او مقام معظم رهبری قرار دارد، با هوشیاری و تیزی با توجه به شرائط، خطر این گونه گروه‌ها و افراد را به موقع متذکر می‌شوند، تا امت در دام آن‌ها قرار نگیرند: «امروز روحانیت و اسلام، راه و جایگاه خود را کاملاً پیدا کرده‌اند؛ اما این طور هم نیست که افکار انحرافی، بکلی از بین رفته و ریشه‌کن شده باشد. کسانی که هنوز نتوانسته‌اند جلوه‌ی انقلابی اسلام را درک کنند، باز هم در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت هستند. هنوز کسانی که به جای کینه‌ی امریکا و دشمنان، قلب‌های آنها جایگاه کینه‌ی مجاهدان فی سبیل‌الله و جوانان مؤمن و پرچمداران حقیقت است، در حوزه‌ها و بیرون از حوزه‌ها نیز پیدا می‌شوند. همان متحجرانی که امام مکرر اشاره کردند، - یعنی دوستداران و شیفتگان اسلام آمریکایی؛ اسلامی که روحانیت و دین و معنویت را از مسیر خود و از مردم و خدا دور می‌کند و مایه‌ی شادی و آسایش دل دشمنان خدا می‌شود - هنوز هستند.» (۶۸/۱۲/۲).

با دقت در بیانات حضرت امام رحمه‌الله و مقام معظم رهبری این حقیقت تلخ آشکار می‌گردد، که ضربه‌های جبران ناپذیری، توسط این افراد بر پیکر اسلام وارد شده است و این ضربات همچنان ادامه دارد؛ به همین دلیل، باید نخبگان و روحانیت متعهد و مسلمانان طرفدار اسلام ناب، با تمام وجود هوشیار بوده و ذره‌ای از آنان غافل نشوند و مبارزه با آنها را جدی بگیرند.

^۸ . (نهج البلاغه، خطبه ۶۰، نسخه المعجم).

^۹ . (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۱).

نتیجه گیری

تاریخ نشان می دهد یکی از متعارف ترین و شاید کارسازترین راه های مبارزه با یک مکتب و دین اصیل، ساختن دین بدلی در مقابل آن است. بت پرستی مشرکان بهترین شاهد بر صدق این ادعاست؛ چرا که در مقابل پرستش خداوند، که توسط دین اصیل ترویج می شود، خدای بدلی و غیراصیل را جایگزین می کنند تا آن گونه که خود می خواهند، برای چنین خدا و چنین دینی تصمیم بگیرند، به گونه ای که با منافع آنها در تضاد نباشد. یکی از آشکارترین آنها در تاریخ، اقدام سامری در ساخت مجسمه گوساله و دعوت مردم به پرستش آن به جای خدای یگانه ای است، که حضرت موسی (ع) معرفی می کرد. از این مجسمه که صدای خاصی (خوار) بر می خواست، موجب حیرت بخشی از قوم یهود شد. بدین جهت عده ای در این میان برای راحت طلبی و عده ای به خاطر کج فهمی و برخی نیز به خاطر نافهمی حقایق دین، بدین سمت سوق پیدا نمودند. این موضوع همواره در طول تاریخ ادیان الهی موضوعیت داشته است و در مقابل هر دین الهی اصیل، چند دین بدلی و غیر اصیل توسط؛ فرصت طلبان، قدرت طلبان، مقدس مابان و... ساخته و ترویج شده است.

از آنجایی که این دین های بدلی با مارک و شباهت ظاهری دین اصلی معرفی می شوند به همین دلیل، شناخت دین و پیروان واقعی آن با دین بدلی و حامیان آن که در میان مردم هستند، کاری سخت و طاقت فرسا است و نیاز به عنایت خداوندی، بصیرت عمیق و راهبر و راهنمای بصیر می خواهد. حضرت امام رحمه الله و بدنال آن سلف صالح ایشان مقام معظم رهبری با درک عمیق از این موضوع با ترسیم دو تفکر - اسلام اصیل و اسلام غیر اصیل و یا به تعبیری، اسلام ناب و اسلام آمریکایی، مهم ترین کار را در عصر حاضر انجام دادند، که عدم توجه به این تقسیم می تواند پیامد خطرناکی برای اسلام و کشورهای اسلامی خصوصاً انقلاب اسلامی داشته باشد.

اعتقاد بر این است، تنها راه رسیدن به جامعه متحد و متمدن اسلامی - آن گونه که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ترسیم نمود و توسط اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تفسیر و اجرا شده است - شناخت اسلام حقیقی از اسلام غیراصیل و اسلام آمریکایی است و چنین امری از عهده کسانی بر می آید که دین واقعی را درک کرده باشند. آنچه که در بیانات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری آمده است و ما نیز به برخی از آن ها در بالا اشاره کردیم، معیار بسیار روشنی برای شناسایی اسلام غیراصیل و آمریکایی است که از اسلام جز عنوان چیزی نداشته و از محتوا تهی شده است.

بنابراین شناخت چنین اسلامی از وظایف بسیار مهم اندیشمندان، پژوهشگران به خصوص علما و روحانیون متعهد است. بویژه اینکه ما هم اکنون با این پدیده شوم اسلام آمریکایی در کشورهای منطقه مواجه هستیم و هر روز خبرهایی از وحشی گری های گروه های تکفیری که با اسم اسلام انجام می گیرد، به ما می رسد.

منابع:

- قرآن کریم

- نهج البلاغه نسخه المعجم، خطبه های ۲۷ و ۶۰

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، سیری در سیره ائمه اطهار، تهران: نشر صدرا،
- مسعودی، مروج الذهب، مصر، ج ۳، ص ۳۶۳.
- ویل دورانت، (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن عصر دین، ترجمه مرزبان و دیگران، فصل ۱۰، ج ۴، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی،
- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، : ۲۴۰-۲۱۷.
- نرم افزار بسوی نور حاوی بیانات، سخنرانی ها، فرامین و... حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری
- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، [www. Leader.ir](http://www.Leader.ir)